

سرپرست اندیشکدهٔ آرمان درگفت‌وگو با «فرهیختگان»:

کالایی‌شدن زن در غرب به روایت ۲۰۰۰۰ مقاله

■ مسئله اصلی زنان مشخص است؛ دانشگاه‌ها به آن ورود نمی‌کنند



«زنان زندانی» عنوان کتابی است که اخیراً به همت اندیشکده آرمان و از سوی نشر معارف راهی بازار کتاب شده است. این اثر در ۱۰ فصل روایتی ترسناک ازبشت‌برده کالایی شدن زنان در دنیای غرب و در ساحت کلان‌تر، جهان امروز را به تصویر کشیده است. تدوین‌کنندگان این کتاب با بررسی نزدیک به ۲۰ هزار مقاله علمی و سایت معتبر، تلاش کردند تا نکات قابل توجهی را از چرایی مصرف بالای لوازم آرایش و رونق بازار عمل‌های جراحی زیبایی برای مخاطب بازگو کرده و به مردان و زنان، از به بردگی گرفته شدن‌شان توسط دنیای استعمار بگویند. واقعیت آن است که نظام استعماری تلاش دارد تا با رونق فضای مجازی، تمرکز بر ظاهر زنان در تبلیغات و به صورت کلی با راه‌اندازی جنگ شناختی، زنان و مردان را در کشورهای مختلف وارد دور باطلی کند تا اینگونه حواس‌ها نسبت به بسیاری از رویدادهای جهانی پرت شود. دور باطلی که نتیجه آن خودشیء‌انگاری زنان و ترویج خشونت جنسی علیه نیمی از جمعیت دنیا شده است. در ادامه به سراغ حمزه منصوری کارگر، سرپرست اندیشکده آرمان رفتیم تا از چگونگی شکل‌گیری ایده این کتاب و روند پژوهشی صورت گرفته برای تدوین این اثر بگویید.

■ ■ ■

ایده تدوین کتاب «زنان زندانی» از چه سالی و تحت چه شرایطی شکل گرفت؟

گروه خودجوشی از حدود ۸ سال پیش در دانشگاه تهران و خارج از آن برای پاسخگویی به بسیاری از شبهات در فضای مجازی تشکیل شد. در سال ۱۳۹۹ به یک شبهه محوری یعنی مسئله زن، حقوق زنان و عفاف و حجاب رسید که خیلی هم در حال پررنگ شدن بود. از همان زمان پژوهش‌ها در این زمینه شروع و تا سال ۱۴۰۱ ادامه داشت. اما بعد از سال ۱۴۰۱ و اتفاقاتی که رخ داد، این پژوهش‌ها پررنگ‌تر و گروه پژوهشی نیز گسترده‌تر شد تا بررسی علمی این مسئله به سرانجام برسد که هم اکنون باعنوان اندیشکده آرمان در حال فعالیت است که در زمینه‌های مختلف سبک زندگی در حال انجام پژوهش‌های دیگری نیز است.

برای پژوهش‌های مرتبط با این کتاب، چند منبع علمی موردبررسی قرار گرفت؟

حدود ۲۰ هزار منبع علمی از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳ مورد بررسی قرار می‌گیرد و بعد از ۴ سال کتاب تقریباً آماده می‌شود و در ابتدای ۱۴۰۴ نیز این اثر به چاپ می‌رسد. در این اثر حدود ۱۰۸۰ منبع لحاظ شده که شامل مقالات علمی و سایندهای معتبر است. اغلب مقالات محوری هم جزء مقالات ISI هستند که در مجلات Q1 منتشر شده‌اند. تمرکز تبیین علمی عفاف و حجاب در این اثر از طریق علوم تجربی مانند علوم اعصاب (نوروساینس) و فناوری دریایی چشم است. در این کتاب، بررسی جامع و دقیقی از وضعیت زن در جهان و غرب بر مبنای نظریه شئیء‌انگاری ارائه شده که بحث کالا شدن و نگاه ابزاری به زن را به شکل جامعی تبیین می‌کند. این نظریه هم توسط دو تن از استادان دانشگاه‌های آمریکا یعنی باربارا فردریکسون از دانشگاه میشیگان و تومی رابرتز از کالج کولورادو در سال ۱۹۹۷ مطرح شده و تاکنون در بیش از ۹ هزار پژوهش به این نظریه ارجاع داده شده است.

چرا در کتاب از مقالات داخلی استفاده نشده است؟
متأسفانه، مقالات منتشرشده داخلی پیرامون موضوع کتاب انگشت‌شمار بوده که باتوجه‌به نوع پژوهش و نتایج آن، برای این کتاب کارایی نداشته است. یعنی این پژوهش‌ها در حد خروجی پایان‌نامه و بیشتر در قالب پرسش‌نامه بوده است و ما هم نمی‌خواستیم خیلی سمت این مسئله برویم. تلاش ما این بود که از مقالات معتبر و درجه یک دنیا در رشته‌های مختلف اعم از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات زنان، علوم پزشکی، علوم اعصاب و دیگر رشته‌ها بهره ببریم.

چرا در طول ۴ دهه گذشته استادان و پژوهشگران را رغبتی به فعالیت‌های پژوهشی پیرامون مسائل زنان نداشته‌اند؟

شاید عدم ارتباط بسیاری از رشته‌های دانشگاهی ما با مسائل اساسی کشور را بتوان ریشه این مسئله دانست. امروز در مسئله فرهنگی شاید ما ۳۰ تا ۴۰ آسیب در سطح کشور داشته باشیم؛ اما نگاه کنید چند پایان‌نامه و مقاله در این زمینه تعریف شده است؟ سازمان‌های مرتبط تا چه میزان در این زمینه سر‌مایه‌گذاری کرده و طرح‌های کاربردی تعریف کرده‌اند؟ استادان ما چقدر دغدغه داشتند؟ معتمد دانشگاه می‌تواند نقش تحول‌آفرینی را در این زمینه داشته باشد؛ اما عدم ارتباط کافی دانشگاه با موضوعات جامعه و مسئولان و سازمان‌های مرتبط باعث شده تا بسیاری از این مسائل به‌صورت اساسی مورد بررسی قرار نگیرند و راهکارهای جامع و عملیاتی در این زمینه ارائه

نگردد. ما امروز مسائل و آسیب‌های مختلفی داریم که شاید پیرامون آن‌ها چند پایان‌نامه هم تعریف نشده باشد؛ اما دانشگاه ما نقش آفرینی‌شان در حل مسئله اندک بوده است. متأسفانه امروزه برخی از استادان ما صرفاً مقالاتی می‌نویسند که ارتقا بگیرند؛ بخشی از این نقطه‌ضعف، به آیین‌نامه‌ها و ششویه‌نامه‌های جذب و ارتقای اعضای هیئت علمی برمی‌گردد؛ چراکه اکثریت اعضای هیئت علمی برای ارتقا به مقالات پژوهشی نیاز دارند و قطعاً باید تغییراتی صورت بگیرد تا طرح‌های کاربردی هم بتوانند با امتیاز بالا جای مقالات را بگیرند. یعنی همه ساختار ارتقای ما چنین اجازه‌ای را به استادان ما نمی‌دهد و هم فضای حاکم بر دانشگاه‌ها که معمولاً یک فضای آموزشی و پژوهشی و مقاله محور شده، فضا را برای این مسائل مهم فراهم نمی‌کنند. از سوی دیگر بسیاری از سازمان‌های ما هم از ظرفیت‌های دانشگاه آن‌طور که باید استفاده نمی‌کنند.

چرا بین مقالات پژوهشی دانشگاه‌های غرب با واقعیت، فاصله وجود دارد؟

در ابتدای پاسخ به این سؤال باید بگویم که اکثر پژوهشگران زمانی که به سراغ چنین موضوعاتی می‌روند، معمولاً با دغدغه این کار را می‌کنند. حتی همین الان در کتاب‌هایی که در حال ترجمه آن‌ها هستیم، می‌بینیم که اکثر دانشگاه‌های جهان به دنبال حل مسئله واقعی هستند و صرفاً به دنبال انتشار مقاله پیرامون یک موضوع نیستند. هر چند هنوز برخی از کشورها هم همین نگاه را به مقالات دارند؛ اما معمولاً در ایران تمرکز شیوه‌نامه‌های ارتقا روی مقالات باعث می‌شود تا استادان به سراغ مسیرهایی بروند که زودتر بتوانند مقاله را منتشر کنند، درحالی‌که دنیای دانشگاهی جهان معمولاً این گونه نیست.

البته از طرفی مقالات و کتب زیادی مرتبط با زنان در خارج از کشور منتشر شده؛ اما باز هم می‌بینیم که تأثیری در سیاست‌های حکمرانی آن‌ها ندارد. این مسئله نشان می‌دهد سیستم دانشگاهی آن‌ها تا حد قابل قبولی درست پیش می‌رود؛ اما سیستم حکمرانی لزوماً به حرف دانشگاهیان در همه زمینه‌ها گوش نمی‌دهد، یعنی سیستم‌های نظام سرمایه‌داری روی سود خودشان تمرکز دارند. البته در نهایت بسیاری از تغییراتی که در نظام‌های جهان می‌بینیم بر اساس همین فعالیت‌های دانشگاهی بوده است. نکته دیگر اینکه افراط و تفریط هم در پژوهش و هم در حکمرانی آسیب‌زا بوده و قطعاً آن‌ها هم تغییر خواهند کرد. بنده نگارندگان این مقالات را دانشمندان آزاده‌ای می‌دانم که در سراسر دنیا به دنبال حق و حقیقت بوده و قاعدتاً یک میل فطری در دانشمندان وجود دارد که می‌خواهند حقیقت را نمایان کنند و در این دسته از مقالات، نتایج زیادی در این زمینه می‌بینیم.

محتوای کتاب نشان می‌دهد شیء‌انگاری زن پدیده‌ای است که دنیای غرب هم در حال نفی آن است، فکر می‌کنید برای تبیین این واقعیت به زنان جامعه به‌خصوص نسل زد چه کاری باید انجام داد؟

مسار زمان تدوین این کتاب قائل بودیم که گفتمان کتاب، ۴ ویژگی دارد؛ اولین ویژگی آن بود که کار میان‌رشته‌ای بود و تلاش کردیم تا همه جنبه‌های این موضوع را بررسی کنیم. ویژگی بعدی جامع و دقیق بودن آن است، یعنی همه جنبه‌های مختلف را بررسی کردیم و با آمار دقیق موضوع اصلی کتاب را دنبال کرده‌ایم. ویژگی سوم این بود که یک رویکرد علمی برای سطح جهان دارد به‌طوری‌که می‌توان محتوای این کتاب را در هر دانشگاهی از دنیا ارائه داد و این لحاظ علمی، این مقالات را در دانشگاه‌های قاره اروپا، آفریقا، آمریکا، آسیا و استرالیا مورد بررسی قرار داده‌ایم. ویژگی چهارم این است که بتوانیم اقتاع حاکمتری داشته باشیم. به‌طوری‌که ما با مخاطبان نسل زد که در اتفاقات ۱۴۰۱ در دانشگاه تهران اعتراض کرده بودند، جلسات زیادی را داشتیم و حتی با استادان منتقد هم جلسات زیادی در باب این موضوع برگزار کردیم. واقعیت آن است که امروز در یک جنگ شناختی قرار داریم و جوانان امروزی ما اطلاعاتی را دارند که رسانه‌ها می‌خواهند مخاطب از آن اطلاع داشته باشد و به همین دلیل ما باید بحث تبیین و اقناع را دنبال کنیم. رسانه‌ها همان موضوعی که می‌خواهند را در مخاطبان ارائه می‌دهند نه همه واقعیت را و این قدرت رسانه در نظام‌های سرمایه‌داری است. همچنین امروز حدود ۸۹ درصد از دانشجویان از کانال‌های تلگرامی استفاده می‌کنند و اکثریت کانال‌های تلگرامی هم می‌توانند مخاطب را به همان سمت و سویی که می‌خواهند هدایت کنند. اگر جوان امروزی ما سواد رسانه‌ای داشته و اهل مطالعه باشد شرایط متفاوت می‌شود. هر چند قطعاً جوانان ما همین‌طور هستند؛ اما گاهی یا فضا آن‌طور که باید برای آن‌ها کاملاً مهیا نشده و یا دانشگاه‌های ما چنین فضای را آماده نکرده‌اند. به همین دلیل ما مطالعه مشخص می‌شود آنچه رسانه نشان می‌دهد در بسیاری از موارد با آنچه در جامعه اروپایی و آمریکایی رخ می‌دهد در تضاد است. در کتاب هم می‌بینید که ۸۳ درصد از زنان جوان اروپایی، مکان‌هایی که می‌روند و افرادی که با آن‌ها وقت می‌گذرانند را محدود کرده‌اند. این مسئله نشان می‌دهد که آزادی زن در آنجا محدود شده است. همچنین درحالی‌که

اکثریت دختران ما ساعت ۸ و حتی ۱۰ شب در اکثر خیابان‌ها بدون مشکل تردد می‌کنند که در بسیاری از کشورهای اروپایی این مسئله برای زنان امکان‌پذیر نیست، دلیلش هم همان خشونت ناشی از شیء‌انگاری زنان است و هنوز خوشبختانه این مسئله در کشور ما زیاد پررنگ نشده است البته تا حدودی در کشور ما هم این مسائل وجود دارد. نکته اصلی ماجرا آن است که وقتی ریشه چنین رفتارهایی نسبت به زن شیء‌انگاری باشد، نظام سرمایه‌داری و استعماری جهان اجازه نمی‌دهد که این موضوع به گوش جوانان جهان برسد و به همین دلیل است که می‌بینیم آنچه که سرمدمداران نظام استعماری می‌خواهند در دنیا غلبه پیدا می‌کند نه واقعیت موجود در جوامع.

باتوجه به مطالعات علمی که داشتید، آینده دنیا نسبت به وضعیت زنان را چطور ارزیابی می‌کنید؟

از طرفی به دلیل فشار نظام استعماری سرمایه‌داری وضعیت بدتر خواهد شد، ولی از طرفی باتوجه به بیداری اندیشمندان و فعالان اجتماعی به نظر بنده مثبت خواهد بود. نه‌تنها فطرت زن ایرانی بلکه فطرت تمام زنان دنیا بر مبنای خلقت الهی، فطرتی پاک است و اکثریت زنان دنیا هم پاک هستند؛ اما نظام استعماری به دنبال آن است که زنان و مردان را به پردگی بکشد. امروز می‌بینید نگاه این‌طور شده که مردم در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی مشغول باشند و نسبت به هیچ موضوعی اعتراض نکنند، حالا این موضوع چه بحران غزه باشد و چه موضوع جلیقه‌زدهای فرانسه. هیچ‌گاه نظام سرمایه‌داری اجازه نمی‌دهد اعتراضی در این زمینه‌ها شروع شود؛ اما اگر دغدغه‌مندان هر جامعه‌ای چه دانشگاهیان و چه غیردانشگاهیان نقش آفرینی کنند و واقعیت‌ها را تبیین کنند قطعاً شاهد تغییرات مهمی خواهیم بود. کلید اصلی گروه‌گشایی از آسیب‌های بزرگی که ما در حوزه اجتماعی و فرهنگی داریم، تنها جهاد تبیین است؛ اما متأسفانه در کشور ما تا حد زیادی در این زمینه از سوسی سازمان‌های مختلف کم‌کاری شده است، درحالی‌که ما حدود ۵۳ سازمان فرهنگی داریم. اگر این کم‌کاری‌ها جبران نشود، می‌توانیم بسیاری از این گروه‌ها را باز کنیم. حتی بعد از آن می‌توانیم گفتمانی برای کل زنان جهان داشته باشیم؛ چراکه ما در زمینه زن و خانواده از جهان طلبکار هستیم. یعنی ما مسئله کم حرفی برای گفتن در سطح جهانی داریم، زیرا ما الگوی سوم زن را داریم. البته دنیای استعمار هم دقیقاً تمرکز خودش را روی این موضوع گذاشته است و بسیاری از کسانی که از خارج پسرول می‌گیرند و علیه نقش زن و خانواده تبلیغ می‌کنند، در عمل نقطه‌قوت ما را هدف گرفته‌اند. این را هم باید بگویم که امروز شاید خیلی‌ها تصور کنند بعد از اتفاقات سال ۱۴۰۱، نقطه‌ضعفمان بحث زن و خانواده است، درحالی‌که این نقطه‌قوت کشور ما بوده که متأسفانه امروز تا حدی آسیب دیده است. تفکر استعماری در حال تخریب این گفتمان در ذهن مخاطب است درحالی‌که در موز خانواده قرار دارد و اگر زن زن‌گشاید، بعد از آن خانواده و در مجموع جامعه آسیب خواهد دید. محوریت کرامت زن در جامعه نشان می‌دهد این مهم‌ترین موضوع در خانواده و آینده جامعه است و دلیل هجمه‌های زیاد علیه این موضوع هم همان از بین بردن انسجام جامعه است.

نقش جامعه دانشگاهی را در این مسئله چطور ارزیابی کرده و سهم کتاب زنان زندانی در ترغیب دانشگاهیان برای پرداخت علمی به این موضوع را چطور می‌بینید؟

قطعاً دانشگاه می‌تواند بسیار مؤثر باشد؛ چراکه دانشگاه‌ها مبدأ تحولات هستند و اگر آن‌ها وظیفه خودش را به نحو احسن انجام دهند، کارهای بزرگی را رقم می‌زنند. بنده در همین یک سال و نیم اخیر به دانشگاه‌های زیادی سفر کردم و دیدم که برای بسیاری از استادان این موضوع جالب بوده و اگر این قشر واقعاً همت کرده و پژوهش‌هایشان را کاربردی و بر مبنای همین چالش‌های موجود در حوزه‌های علوم اجتماعی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم اعصاب و علوم پزشکی انجام دهند، قطعاً اتفاقات خوبی رقم می‌خورد. البته شاید این کار چندین سال زمان ببرد. امروز تقریباً دخترانی که جامعه داریم که در خیابان راه برود و پدیده‌ای به نام نگاه هیز برخی از آقایان را احساس نکرده باشد؛ اما ما چند پژوهش در این باره در فضای علمی‌مان داریم؟ امروز بسیاری از مسائل واقعی زنان ما در جامعه مشخص هستند؛ اما جامعه دانشگاهی خیلی به آن ورود نمی‌کند. چند روز پیش کلبلی دیدم از یک دختر بی‌حجابی که از موضوعاتی که در محیط‌های کاری وجود دارد، گلایه می‌کرد و متأسفانه تا امروز هیچ فردی از طریق علم روز دنیا، حس عدم امنیت زنان ما را در محیط‌های مختلف عمومی تبیین نکرده است. از سوی دیگر باید به آن خانم گفت که درست است که آن مرد نگاه ناسالمی دارد؛ اما نگاه هیز مردان به‌خاطر همان پدیده شئیء‌انگاری است که وجود دارد. یعنی مرد، زن را به‌عنوان یک شیء در نظر می‌گیرد و علوم اعصاب هم ثابت می‌کند که این شیء‌انگاری دو رکن دارد، یکی نگاه مرد و دیگری لباس زن. حتی در پژوهش دانشگاه استنفورد هم آمده که اگر مردی حتی نگاه ناسالم داشته باشد؛ اما زن پوشش مناسبی

چرا زنان نگاه شیء‌انگاری به خود دارند؟
در فصل هشتم این کتاب آمده است: «بسیاری از زنان زمانی حالت خودشیء‌انگاری را تجربه می‌کنند که توجه اطرافیان به بدن آن‌ها جلب شده است. مانند زمانی که دیگران (معمولاً مردان) به آن‌ها متلک می‌گویند یا متوجه می‌شوند که نگاه خیره‌کنشی روی بخشی از بدن آن‌ها ثابت مانده یا جنسیت و زنانگی آن‌ها ویژگی بارز بافت محیطی آنهاست. این نگرش شیء‌انگاری در وجود برخی از زنان نهادهی می‌شود و آن‌ها خود را مجبور می‌کنند که عملاً خویش را همیشه یک کالا ببینند، چه در محیط‌های عمومی و چه محیط‌های خصوصی. رفتار شئیء‌انگار با زنان و دختران باعث می‌شود آن‌ها دیدگاه یک مشاهده‌گر خارجی را در درون خود نهادهی کنند و خود را به چشم یک شیء برای نگاه و ارزیابی بر اساس صفات ظاهری خود ببینند. درونی کردن دیدگاه یک فرد خارجی، با عنوان خودشیء‌انگاری مشخص شده است. اولین راه برای اینکه زنان از این زندان فرار کنند و رها شوند، این است که مردان چشم خود را کنترل کنند.»



در مقابل او داشته باشد، از نگاه شیء‌انگار مرد در امان خواهد بود و متأسفانه ما این مسائل را تبیین نکرده‌ایم، درحالی‌که اگر بسیاری از زنان ما این موضوعات را بدانند، قطعاً رعایت خواهند کرد. این مسئله به دلیل کم‌کاری دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی بوده است. بااین حال اگر از همین حالا همت کنیم و گفتمان‌سازی لازم را انجام دهیم، قطعاً نتیجه آن اولاً زهمه آرامش زن و دوم تحکیم خانواده و در نهایت رشد و تعالی جامعه خواهد بود.

به خود کتاب برگردیم. کدام بخش‌های کتاب از نگاه شما جذاب‌تر بوده است؟

سیر مطالعه کتاب چند قله دارد. اولین قله آن است که در فصل دوم مخاطب متوجه می‌شود مهم‌ترین دغدغه زنان جهان، آزار و اذیت و خشونت جنسی شده است. قله دوم کتاب آن است که متوجه می‌شویم ریشه خشونت‌ها علیه زن، بحث شئیء‌انگاری زنان و نگاه ابزاری و کالایی به آن‌هاست. بخش بعدی هم آن است که می‌بینیم شیء‌انگاری چند بعد دارد، یعنی یا شیء‌انگاری در دنیای واقعی است و یا در رسانه‌ها و فضای مجازی صورت می‌گیرد و یا شیء‌انگاری توسط خود زنان است که به آن خودشیء‌انگاری می‌گوییم. در تبعات خودشیء‌انگاری ما شاهد انواع عمل‌های زیبایی و استفاده زیاد از لوازم آرایشی هستیم؛ چراکه نگاه خودشیء‌انگاری در بین برخی از زنان وجود دارد. بحث دیگری به‌عنوان اثر سرریز جنسی را در کتاب داریم که در آن می‌گوییم حتی اگر یک زن هم لباس نامناسب باشد به‌گونه‌ای روی ذهن مخاطب تأثیر می‌گذارد که باعث می‌شود آن مخاطب، بقیه زنان را با همان نگاه، شیء‌انگاری کند. یعنی لباس تا این حد اثرگذار است. به همین دلیل اینکه زنی بگوید این لباس، لباس من است و یا بدن خودم است و هر مدلی که بخواهم در جامعه لباس می‌پوشم، نگاه نادرستی از لحاظ علمی است؛ چراکه رفتار و لباس او بر همه زنان جامعه اثرگذار است. قله آخر مباحث کتاب هم بحث راهکارهاست که ما بحث نگاه مرد، لباس زن و راهکار ازدواج را مطرح کرده‌ایم. یعنی کنترل نگاه توسط مردان باعث جلوگیری از شیء‌انگاری زنان می‌شود و در مقابل کنترل لباس توسط زنان هم باعث جلوگیری از شئیء‌انگاری مردان می‌شود. همه این مسائل هم با علوم اعصاب در فصل‌های کتاب تبیین شده است. یعنی با فناوری دریایی چشم و نوراهای مغزی، ثابت شده اگر لباس مناسب باشد دیگر شیء‌انگاری در مغز مردان رخ نمی‌دهد. نکته کلیدی کتاب در بخش علوم اعصاب را هم باید این عبارات کتاب دانست که می‌گوید ما بخشی در مغز برای ادراک انسان‌ها و بخشی هم برای ادراک اشیا داریم. این موضوع استثنایی دارد که وقتی یک زن شیء‌انگاری می‌شود، در بخش اشیا ادراک می‌شود و این عجیب‌ترین بخش کتاب است و ریشه خشونت علیه زنان نیز همین نکته است. یعنی شیء‌انگاری صرفاً یک استعاره نیست، بلکه در دنیای مغز واقعاً زن به‌عنوان یک شیء تلقی می‌شود و همین عامل خشونت است. در مجموع باید بگویم فصول دوم، سوم، هشتم و نهم به‌عنوان قله‌های جذاب کتاب محسوب می‌شوند.

به‌صورت کلی می‌توان گفت عنوان کتاب «زنان زندانی» خلاصه چیزی است که اسلام درباره زنان گفته؟

هدف ما چنین چیزی نبود، ولی نتایج تطبیق داشت. در فصل‌های انتهایی کتاب هم این نکته را ذکر کرده‌ایم. در قرآن به دو موضوع اشاره شده؛ اول اینکه حجاب کمک می‌کند تا زنان بهتر شناخته شده و از طرف دیگر اذیت نشوند. شئیء‌انگاری از طرفی باعث افزایش خشونت علیه زنان می‌شود و از طرف دیگر باعث کاهش ادراک شایستگی و انتخاب‌پذیری زنان می‌شود. در مقالات این کتاب می‌خوانیم اگر زن می‌خواهد در گام اول از خشونت جلوگیری کرده و در گام دوم اگر می‌خواهد توانمندی‌های علمی و شخصیتی خودش را به نحوه احسن در جامعه استفاده کند، بهترین راه آن استفاده از پوشش مناسب به‌منظور جلوگیری از شیء‌انگاری است. امروز برخی از زنان می‌گویند ما نمی‌توانیم در جامعه ظهور و بروز داشته باشیم، درحالی‌که این مقالات نشان می‌دهد پوشش مناسب بزرگ‌ترین کمک به زنان برای بروز علمی و شخصیتی‌شان است. ما در این کتاب به دنبال اثبات حجاب نیستیم؛ چراکه حجاب امری الهی بوده و امر اثبات شده‌ای است. اما برای آن دسته از مخاطبانی که اصلاً مسلمان نیستند و حتی خداناباور هم باشند، با همین علوم تجربی می‌توانیم تبیین کنیم که پوشش مناسب، ضرورتی علمی و عقلانی برای حفظ کرامت و آرامش و همچنین رشد و تعالی زنان است.

رابطه عزت‌نفس با روابط جنسی غیرمتعهدانه
در فصل دهم کتاب می‌خوانیم: «درست است که روابط جنسی غیرمتعهدانه همه‌گیر شده و در مواردی جایگزین روابط همراه با تعهد یا ازدواج گردیده، ولی این روابط توانسته جایگزین ازدواج شود و همان محبت و بی‌مسئولیت و کارآمدی را کسب کند. علی‌رغم رواج زیاد رفتار جنسی غیرمتعهدانه، یک مطالعه درباره ۶۸۱ بزرگسال جوان، نشان می‌داد ۶۳ درصد از مردان دانشجو و ۸۳ درصد از زنان دانشجو در مقطع فعلی زندگی خود رابطه عاشقانه سنتی (برای مثال، ازدواج) را به رابطه جنسی غیرمتعهدانه ترجیح می‌دادند. دریک نظر‌سنجی دیگر از ۵۰۰ دانشجویی که همگی رابطه جنسی غیرمتعهدانه را تجربه کرده بودند، ۶۵ درصد از زنان و ۴۵ درصد از مردان گزارش کردند امیدوار بوده‌اند رابطه غیرمتعهدانه‌شان به رابطه متعهدانه ختم نشود. در اولین مطالعه برای بررسی ارتباط بین عزت‌نفس و رابطه جنسی غیرمتعهدانه، نشان داد مردان و زنان دارای تجربه رویارویی‌های جنسی غیرمتعهدانه در مقایسه با افراد بدون تجربه جنسی غیرمتعهدانه، نمره کلی عزت‌نفس کمتری داشته‌اند.»